

# چشم شاهنشاهی ایران



این روزنامه یکبار در تاریخ طی ۱۰۰ شماره و در تیر ماه برای تیرماه شمسی برابر تیرماه خورشیدی همراه با آن انتشار مییابد

شماره چهارم: چهارشنبه ششم مردادماه ۱۳۵۰

## \* اهمیت جشنها از نظر جهانگردی

### شاهنشاهی ایران در دایرةالمعارفهای جهانی

#### پیوستن به جشنهای شاهنشاهی ایران تجدید پیمان با حقوق بشر است

جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران دنیای معاصر، دینی را که قرنهای بسیار، به آئین شاهنشاهی ایران داشت و ادا نکرده بود، بجا میآورد. این دین بسیار بزرگ بود، چندان بزرگ که از حوصله درک قرنهای بسیار، بیرون ماند، و تنها قرن بیستم است که میتواند، آنرا درک کند، و حرمت آنرا بجا آورد. آزادی انسان، گرانباترین کشف تاریخ تمدن است و کسانی که به کاوش حقوق انسانی در تاریخ پرداختهاند، بهعیت تمام نیروی خود را صرف کردهاند تا ریشههای این حقوق را فقط در آراء و عقاید فلاسفه، و اغلب بطور انحصاری در آراء و عقاید فلاسفه غرب، و سرچشمه تفکر آنها، فلاسفه یونان بجویند. و هربار که از حقوق انسان سخن رفته، اعلامیه مدون این حقوق را، یا اعلامیه استقلال ایالات متحده و با اعلامیه حقوق بشر در مقدمه نخستین قانون اساسی دوران انقلاب کبیر فرانسه داشتهاند، و ریشه دفاع از آزادی عقاید را در این دو اعلامیه نیز بارهای فلاسفه انگلیسی و فرانسوی شان دادهاند.

در حالیکه دفاع از آزادی عقیده، بحق حیات و زندگی اقوام، و حتی که بر محیط نشو و نمای خود دارند نخستین بار، در یک نقطه تحول تمدن، بطور خیره کننده، از ایران آغاز گشت، و کوروش بزرگ آئین شاهنشاهی را با اعلام آزادی عقیده، و حرمت حق سکونت اقوام و تیرههای ملل هنگام الفبا اسارت و بر یکی اقوام و مذاهب، در بابل هم آمیخت. دنیا امروز، بحق، خاطره اعلامیه استقلال ایالات متحده را گرامی میدارد، و از خیرترین و باجلیل یک دوست بزرگ انسان و تمدن یاد میکند، و انقلاب کبیر فرانسه را که صادرکننده نخستین اعلامیه حقوق بشر، در پایان قرن هیجدهم بوده میستاید، چون این تلاشها، در دوران روشنائی تمدن انجام گرفته است، در روزگاری که مبارزه برای گرفتن و به برکسی نشان دادن این حقوق در جهان آغاز شده بود. اما روزی که کوروش بزرگ بهعیت آغاز شاهنشاهی ایران، اعلامیه خود را مبنی بر آزادی عقیده، و احترام حق سکونت اقوام، صادر کرد، و آنرا بر ستونهایی، در بابل تکررند، و انسان اسیر، که همب وهم اندیشه اش باید سنگینی اسارت را باشتیابان میسکند، مبارزههای نداشت. شناختن اسارت و باعنوانی که آدمی دارد برایش حاصل نشد، و به آنچه برای نازل میشد، گردن میگذاشت و بارضای خود، تن به اسارت و بردگی میداد. کوروش بزرگ، در چنین بقیه در صفحه ۷



بازتاب تمدن و روح ایران  
به تفسیر يك آکادمیسین بزرگ  
در صفحه ۴

۷۶ روز تا آغاز جشن شاهنشاهی فاصله داریم



### اندیشه ای و هدفی بزرگ از داریوش تا آریامهر

جان مایه ای انسان، در ادامه حیات، خون است و جان مایه ای آدمای حیات يك کشور، اقتصاد آن، اقتصاد خوبی است که در شریانهای يك کشور جاری است و بها و تیرد میبخشد. اقتصاد، خود، به عاملی دیگر وابسته است و به عامل پول. و هنگامی که جریان پولی يك کشور، تحت ضابطه های خاص درنیاید، و دینان نیازمندی ها و عرضه و تقاضا رابطه ای استوار نشود، نمیتوان به استقلال اقتصادی و در نتیجه آن به استقلال سیاسی و در مملکت امید بست. شاهان بزرگ و اندیشمند باسی به این مسئله، توجهی کافی داشتند. داریوش شاه، فرمان راند تا سکه در ایران زمین، ضرب شود. سکه طلای او، به «دریک» و سکه نقره ای وی به «سیگلو» موسوم بود و در تمام حوزه امپراطوری وسیع شاهنشاهی و جهان باستان رایج بود. نخستین هدف، در بوجود آمدن سکه، پیش از داریوش شاه، نشانه ای قویست، و حاکمیت،

### ۱۰۰ لوص آژان و آژانگر رسول عدالت

(این، خداوند خدا، میگویم: کوروش، شان من است و نمایی سمرت مرا با تمام خواهد رسانید، گشت که از مشرق، کسی را برانگیخت و عدالت او را نزد باهای وی میخواند. استها را بسوی (کوروش) تسلیم مینماید، و او (کوروش) را بر پادشاهان و در برابر کمانش، همانند کاه، پراکنده میسازد، «کتاب متنس» اسان دوام و بقای شاهنشاهی این مرزوبوم، و رمز بآبادی بنیاد حکومت، بر عدل نهاده شده است. جامعه ای که بنیاد آن، از آغاز تا امروز، بر این شالوده استوار است، آنگونه به گسترش عدل و داد، کوشیده، که حتی در بلندپایه ترین و برترین کلام، کلاخدا، آژان به بتیکی یاد شده است. نگرشی بسیر تحول جوامع بشری، نمایشگر این حقیقت است که آژان که ایرمندی بزرگ، و رهبری خردمند، برمسند حکمرانی سرزمینی تکیه زده، و عدل و داد را، مثل بقیه در صفحه ۵











# جاودانه حماسه ملی شاهنشاهی

## فتح بابل

(۳)

و تفسیر کلام اینست: مناه خدا سلطنت ترا شمرده و آترا به انتها رسانیده است، تقیل در میزان تسخیر شده و ناقص درآمده. فرس؛ سلطنت تو تسخیر گشته و بهادیان و فارسیان بخشیده شده است، آنگاه بلبشمرام فرمود تا دانیال را بهارغوان ملیس ساختند و طوق زرین برگردن (نهاند) و در باراش ندا کردند که در مملکت حاکم سوم میباشد، در همان شب بلبشمر پادشاه کلدانیان کشته شد»

این جنگ سرد، که به شوریدن اسیران، و چنانکه خواهیم دید کاهنان و روحانیان بابلی انجامیده بود، و کار را بجایی رسانده بود که در دیوار کاخ اختصاصی پادشاه، به هنگامی که او با سرداران و خاسیان به شراب نشست است، دستی نامرئی غبار بنویسد، و بر وی کشف شمار یا رمز، پادشاه بجای توسل به روحانیون و کاهنان بزرگ و زبان آگاه بام، به یک معبر و آگاه دل پیوند که اعتماد نبای او را بنا به روایت کاتب مقدس جلب کرده بود، و وی آورد، و از شاهکارهای تیسیر و کاردانی جنگی کوروش بزرگ است.

او هفت سال دشمن را که در مدتی تسخیر پایتزی ایستاده بود، و اگر از درون خود فرو نریخت شکست با سیر می نمود، بر کار که تا زیر تازیانه جنگ سرمد داخلی، خود را از پا درآورد، و در جوان آن سرداری از کوروش بر فارخه شهر بزرگ اکد، فرمان میزاند، تا هر روز از دوسو، از ساز و لریان می - و از فارخه و اکد نام کوروش بزرگ و سپاه پارسی او، به بابل برسد، و خاطر او را نژده کسانی که امیدهای خود را به پیروزی شاه پارس و اثنان میبنداد، تازه نگهدارد، و بیم و ترس در دل پادشاه بابل نیز میزدند، سراسر آن، و همین فرصتی گریها شد تا کاهنان بر قدرت بابلی، که از روش پادشاه اکد بر چرخین کرده بودند، و بازرگانان و بانکداران که احساس میکردند

قدرت قدیم آنها دارد به تنگای کساد کشانده میشود، و راه خود را از پادشاه جدا ساخت، و راه اسیران اقوام دیگر نیز که جدا بود، با برافروخته شدن نور امید در دلهای آنها، روشن گردید، و کار به آنجا رسید که پادشاه، در درون کاخهای خود نیز، آرامش نداشت، و نام کوروش و سپاه پارسی و مادی او، در اندرون پادشاه و در خلوتشهای او، شب و روز پادشاه را در تنگنا قرار میداد.

چنین بود که کوروش، با تدبیر، جان هزاران آدمی را که باید پشت دیوارهای سرزمین بابل، و در جنگ از پا در میآوردند، خرید، و راه جنگ چندین ساله را کوتاه کرد، و در بهترین موقع، برای فتح بزرگترین قدرت جهان آن روز، آماده شد.

سقوط بابل، در هر حال بستم کوروش بزرگ انجام میگرفت، این میوهی بود که باید کوروش آترا میچید، اما کوروش، در چندین میوه پیروزی طرافت های خاص خود داشت، او میدانست کی باید میوه را در هفت قرارداد، و کی و چگونه باید آنرا چید، اینگونه هنر متکار فتح امتیازی است که در سراسر زندگی کوروش، نمایانست، زندگی او، تصنامهی است که میتوان در آن رازهای بسیار از سرداری و فراتر وائی و نیز شاهنشاهی و

آغاز سفر کرد، سفری که از راههای تازه میگشخت، و درین زمان، پادشاه بابل در خواب بود، خواب پریشانی که از رویای آشفته خواب گذشته پر بود، و او امید بسته بود که کوروش بر دیواره عظیم شمالی بابل بگذرد، همان که نبوکدنزر برای چنین روزگاری و در برابر پورش سواران مادی پدید آورده بود، و هنوز از این دیوار، هنگامی که دروازههایش بسته بود، و خندق پای آن از آب لبریز، کار چند هفته و چند ماه نبود، و تواناترین سردار شاید سالی پشت آن دیوار میبماند.

اما کوروش چنین نکرد، او دجله را گذرگام ساخت تا از پشت دیوار بدرین سرزمین بابل درآید، و برای این کار زمانی را گزید که آب دجله و آب دیاله که به دجله میریخت، به کشتی گذاشته بود، و فرمان کوروش چنین شد که آب دیاله و آب دجله را از پشت سرش، آن بگرداند، و بستر، و چون گذرگاهی امن، و بی خطر باشن ها و ریگزار تک آن زیربای سربازان کوروش، و چرخ عرابههایش، که ابداع جنگی خود او بود، و قدرت بزرگی بشمار میرفت، گسترده شد، و تا سپاه پابل، دیواره دفاعی را از میان دو رود حفاظت میکرد، که از آن، کسی نمگذرد، سپاه کوروش فرستگها، بی هیچ خطر، در خاکهای پیشروی کرده بود، و از داخل خاک بابل بسوی شمال، راه خود را باز کرد، و با شتاب خود را به قراونگاه سپاه بابل رساند، و در حوالی شهر ایبیس، OPIS با یک حرکت سریع راه بسپاه را با بابل برید، و ویرانهها و سردار بابلی، در تلهای افتاد، که از آن رهایی نداشت، بسا پورش ناگهانی کوروش سپاه بابل چنان از پا درآمد که کوفی برقی در برابر تابش آفتاب نمودن قرار گرفت، و سپاه و سردار یاهم از پا افتاد، و کوروش چنان پیروزی برقی آسانسید سپاه خود ساخت که به معجزه شباهت داشت.

ثروت و قدرت او را خیره ساخت، بلکه بازرگی اراده و اندیشه خود، ثروتهای بزرگ و قدرتهای عظیم را بجای خیرگی کرد، با آنکه کوروش بزرگترین سمرق برای یک سردار و کشورگشاست، در رفتار و درناش اندیشه و نبوغ نظامی، اما عظمت وی در بنیادگذاری کوش بود که نبوغ نظامی ویرا در کارها، جهت التمام قرار داده است و آئین شاهنشاهی که بر پایههای دفاع از حقوق اجتماعی، و حمایت و دفاع از اقوام و تیرههای قلمرو شاهنشاهی وضع کرده، امروز با پایه و ستون استوار تمدن عصر ما از میبازد، مدنی با این سابقه، و آمیختن از یک کوروش بزرگ دارد، بهنجیل وی برخاسته است، و هنگامی که ملل سراسر جهان، بزرگی و عظمت کوروش را میستایند، و آئینی را که او گذاشته تجلیل میکنند، از نصیحتن واضح احترام به عقاید و احترام به حق توطن، تجلیل و ستایش میکنند، و از ملت سازماندهی جهانی، موسسات علم و تحقیق، و آمیختن با نظامهای جهانی که خود را موفق تکمیل و ترویج اصول حقوق بشر جهانی، و سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، نیز شرف مستند و احترامی که به کوروش بزرگ میبندند، احترام برابر است که به نظامها و به اتکاء ایمانی که باورین آئین و عقاید عادلانه اجتماعی برای روابط تمدنها و فرهنگها و جوامع انسانی داشت، کاری را آغاز کرد و پیش برد که در عصر ما بسا زدها قرن و بدنبال چندین قرن تلاش و کوشش روشنگران، فارغی، انسان دوستان، و جوامع بین المللی هنوز توانایی تحقق آترا نیافته اند، و حقوق انسان، حق آزادی عقیده و حق اختیار توطن مورد تجاوزهای علنی است.

پیوستن به چنین شاهنشاهی، در سراسر جهان، در واقع تجدیدن بنیادین باعلاهی حقوق بشر، و ابراز اعتماد باین حقوق شناخته شده است.

این نیز نکتهای است.

صفحه ۷

## پیوستن به جشنهای شاهنشاهی ایران تجدید ...

بقیه از صفحه اول

توانایی و قدرت این بوغ را، بسوغ اسارت را، از گردن اقوام و ادیان روزگار خویش برداشت، و کار او چندان بزرگ بود و چندان از درک زمانه او برتر بود که آن روزها، ادیان و اقوام آزاد شده او را بیامری برای رهایی خویش گمان بردند که از جانب خدای آنها آمده است، و زمانهای بعد نیز چیز از طریق روایتهای دینی کسی باین واقعه آشنا نشد.

کوروش در استوانه فتحنامه بابل میگوید: «اقوام و طوایف اسیر را و باخدايان آنها آزاد کرد تا بسرمیزهای خود بازگردند و فرمانداد شهرها و نمایندگان شاهان، آنها را در ساختن و نو کردن شهرها و خانههایشان و نو کردن پرستشگاههایشان امر کنند، و اقوام اسیر بابل از آزادی منهدب و حق سکونت در سرزمین بومی خویش برخوردار شوند، و آزادی اقوام را در مناهب و محل سکونت، ضمانت میکند، این بزرگترین واقعه تاریخ تمدن قدیم است، که تاریخ، همانند کارهایهای محافظه کارانه، آنرا از چشمها پوشانده بود، و کسانی که در کتاب مقدس بآن تجلیل و تکریم از کوروش بزرگ میبرسیند، در توجیه این ستایش میمانند، که گاه آترا بنزدیکی اقوامی دید منهدب میباشند که بر سرشان نداشت بود، کوروش از قلمرو فرهنگ تمدن آبرائی برپا کرد، و کتاب مقدس، تاریخ چندین تیره بهم آمیخته سامی است، و خاطرهای از قدرتهای این ژان، و تنها پس از کشف استوانه فتحنامه بابل، است که دنیا بسا تابناکترین جلوه اندیشه شاهنشاه بنیادگذار ایران، کوروش بزرگ روپرو میشود، و در میباید که کوروش نصیحتن واضح و مدافع بر قدرت حقوق اجتماعی است، و باچنان اراده و ایمانی فرمان تجدیدن بنیاد پرستشگاههای ویران شده، و شهرهای در خاکستر فروفته اقوام اسیر فرمانروایی مقتدر بایلد، صادر کرده است که قرنی بعد از او، جوامعشان در پایگانی دبیرخانه شاهنشاهی از بی فرمانی میگردند که برای آبادانی و رشلیم و دانه بود، و چون آترا می یابند، از خزانه

روانامه جشن شاهنشاهی

شماره چهارم

صفحه ۷

